



سبک‌سازی در زمان

بیان و تشریح هنر مجسمه‌سازی و سبکها و روش های مختلفی که در دوران مختلف شکل گرفته‌اند مسلماً از حوصله این مقاله خارج و بررسی دقیق آن با نوشتن این چند سطر میسر نمی‌گردد. زیرا در هیچ دورانی هنر خود مشخص کننده خود نبوده بلکه مسائل اجتماعی و اقتصادی و علمی و ذهنی هر دوره‌ای سازنده و آفریننده هنر آن دوره بوده است.

آنچه هنریونان را از هنر دوره‌های قرون وسطی متمایز می‌کند همان تفاوت میان جهان بینی هنرمند جدید و قدیم است و این جهان بینی خود زائیده شرایط اجتماعی و اقتصادی و توجهات ذهنی هنرمند است بنابراین برای بررسی سبکهای هنری لازم است که خصوصیات هر دوره از تاریخ دقیقاً مطالعه گردد.

میتولوژی یونان بطور نمونه خودبرداشتی از یکتو سیستم اجتماعی و اقتصادی است یونان باستان از نظر اجتماعی و سیاسی به ایالات بسیاری تقسیم میگردد که هر ایالت اگر چه از نظر کلی تابع قوانین آتن بود ولی تا حدودی استقلال داشت. این نوع استقلال و اختلاف قوانین ایالتی با ایالت دیگر عیناً در میتولوژی یونان و خدایان آشکار و نمودار است علاوه بر این تمایز و طبقه‌بندی در نحوه اندیشه و برداشت جهانی فلاسفه این دوره

کاملاً متمایز گردد. این احساس برتری اقتصادی نسبت به دوره قبل و محیط دور از جنگ و هراس در کار و اثر هنرمندان دوره رنسانس بخوبی ظاهر است. ساختمان های دوره رنسانس بیان کننده برتری و غرور است اگر هنرمند قرون وسطی را بنوعی يك هنرمند با احساس مذهبی و تا اندازه ای خرافاتی بدانیم هنرمند دوره رنسانس سرکش و مغرور و با علم است.

نقاشان و مجسمه سازان قرن هیجده کاملاً متمایز از قرون گذشته اند زیرا تحولات فکری و اجتماعی قرن هیجده جهان بینی خاصی در هنرمندان این دوره بوجود آورد.

نحوه کار نقاشانی چون وان گوگ و گوگن متعلق به دوره امپرسیونیست کاملاً متأثر از محیط اجتماعی خویش بوده است. زیرا تحولاتیکه در این دوره از نظر اجتماعی صورت میگیرد و اکتشافاتی که در زمینه های علمی صورت میپذیرد بنحوی کاملاً مشخص در کار آنان منعکس است. زیرا هنرمند با برداشت از آنچه در دوروبرش میگذرد نحوه بیان ویژه خود را پیدا می کند و همانطوریکه در بالا بدان اشاره رفت هنر خود و راه خود را مشخص می کند. يك هنرمند در مرحله اول فرزند زمان خویش است بهمین نحو سبک ها و روشهای دیگر امپرسیونیسم و فوویسم - اکسپرسیونیسم - فوتوریسم و کوبیسم را می توان مورد بررسی قرار داد. نقاش و مجسمه ساز فوتوریست نقاش و مجسمه ساز دوره تحول اجتماعی و اقتصادی معاصر است بخوبی میتواند در کار های این گروه تحرك اجتماعی و اقتصادی را دید و کوبیسم بیان کننده ویژه جهان جدید بعد از جنگ جهانی اول است. کوبیسم متأثر از هنر آفریقائی و فلسفه شرق همراه با يك نوع درون گرایی و قید زمان است در حالیکه هنر دادا (سبک دادائیسم) پشت پا زدن به تمام مسائل حسی و ذهنی و مخالفت با رعایت قواعد و اصول است. بسادگی میتواند شیوه هنرمندان دوره رنسانس را شناخت و در آنها وجه اشتراك را بخوبی احساس نمود ولی امروزه پس از جنگ جهانی دوم مخصوصاً هنر مجسمه سازی و نقاشی، اختلاف و تضاد بسیار در دید و فلسفه هنرمندان بسیار است که اینهم خود ناشی از تحول و تکامل متغیرو آشفته عصر ماست.

در آثار مجسمه سازانی چون H. Moor هنری مور که میتواند بنحوی بارز عقاید علمی فروید و داروینیسم را مشاهده کرد. مور در مجسمه ها و آثارش انسان را بسوی حیات رهبری میکند و پیامبر مسائلی غریزی و ابتدائی را می گردد.

دکی ریکو D. Rico به جنبه های احساس ناخود آگاه و آنچه در تحتانی ترین قشر عاطفی است متوجه است و کارش پر از رویا است که پیامبر ضمیر ناخود آگاه انسان است در حالیکه نقاشانی چون Mondrian موندریان هنر را خارج از این نوع مسائل حسی و درونی دانسته و به يك نوع بیان صرفاً بصری و غیر عاطفی متوجه شده اند.

بخوبی مشهود است چنانچه افلاطون اجتماع را به طبقه بردگان و صنعتگران و قضات و جنگاوران تقسیم نموده است و از آنجا که طبقات اجتماعی را تغییر ناپذیر گرفته است در تقسیم بندی او رکود و انجماد دیده میشود.

داشتن يك خدای قابل لمس و عینی (ونوس و یا خدایان دیگر) ما را با این مسئله مواجه میکند که میان یونانی و خدایانش رابطه ای مستقیم عینی و قابل لمس وجود دارد. خدای یونانی از سنک و بشکل و قواره انسان تراشیده شده است. بشکل انسانهاییکه هر روز يك آتئی میتوانست در کوچه و بازار آتن آنرا پیدا کند. بدین سبب است که مسئله ذهنیت که بعد ها یکی از اصول هنر گردید در دوره هنر یونان مشاهده نمیگردد. بنابراین بوضوح می بینیم که مسائل اجتماعی و دید فلسفی هر دوره ای بجهت نحو بیان کننده آثار هنری دوره خود است. دوره قرون وسطی دوران رکود و انجماد بود. و همچنین عدم تحرك در اجتماع و وجود يك اقتصاد ناتوان و عدم امنیت و ایمنی و وجود ترس و وحشت که منجر به يك نوع دید مذهبی و عرفانی در هنرمند شد. در حالیکه میتوان اثرات دوران رنسانس را که جنبش و تحركی در اقتصاد اروپا پدید آورد بخوبی در هنر این دوره مشاهده کرد چه بالا رفتن سطح اقتصاد زمینه را برای تجسّات علمی فراهم کرد و کشف راههای جدید بازرگانی و امنیت اجتماعی باعث گردید که جوش و خروش در سطح زندگی پاره ای از مردم نمودار گردد. در این دوره بود که به یاری اختراعات انسان به ابزار و وسائلی تازه دست یافت. اختراع ماشین ریسندگی در هلند بوسیله نیروی آب و هزاران ابداع دیگر باعث گردید که این دوره از دوره قرون وسطی